

از قضا، پنج سال قبل از شروع جام جهانی با حضور کاسیاس، کانیزارس دوباره دچار آسیب دیدگی شد و باز هم فرصتی برای کاسیاس پیش آمد تا برای اولین بار شانس حضور در تیم بزرگسالان را داشته باشد. کاسیاس در گفت‌وگو با کارشناس فوتبال اسپانیا در مورد تصمیم لحظه آخری رئال مبنی بر دعوت او برای بازی در لیگ قهرمانان و بازی مقابل روزنبرگ صحبت کرد: «بودو ایلگنر و سانتیاگو کانیزارس هر دو مصدوم شدند و من به عنوان دروازه بان سوم فرا خوانده شدم. من را از کلاس طراحی فنی بیرون کشیدند. مدیر مدرسه که از طرفداران پرو پا قرص مادرید بود صدایم کرد. او می دانست که من در تیم جوانان هستم و هر بار من را می دید در مورد رئال حرف می زد. به من گفت باید به هتلی که اعضای تیم در آن اقامت داشتند بروم و آماده پرواز به نروژ شوم.»

در آن زمان کاسیاس ۱۶ ساله بود و ورودش به لیست تیم نشان می داد که باشگاه چقدر روی او حساب می کند. این بچه مدرسه ای با سوار شدن به هواپیما و نشستن کنار مورینتس احساس می کرد لاتاری برنده شده است، احساسی که پدرش خوسه بسیار خوب آن را درک می کرد. خوسه هر آخر هفته روی نتیجه بازی تیم ملی شرط بندی می کرد و هر بار هم به ایگر جوان می سپرد که نامش را در برگه شرط بندی محلی ثبت کند. یک عصر سرنوشت ساز با مشخص شدن تمام امتیازات، خوسه آنچه را می دید نمی توانست باور کند! تمام ۱۴ پیش بینی اش درست از آب درآمده بود. تنها مشکل این بود که ایگر با خجالت به پدر اعتراف کرد که فراموش کرده بود برگه شرط بندی پدر را ثبت کند و خانواده کاسیاس به سادگی ۲/۱ میلیون پوند ارزشمند را از دست داد. بی دقتی های کودکی اش را که کنار بگذاریم والدینش از شنیدن خبر پیوستن ایگر به تیم بسیار خوشحال بودند و هر کاری می کردند تا پسرشان به خوبی مسیر ستاره شدن را بیامیزد. حتی آنها هم نمی توانستند حدس بزنند که ایگر تا قبل از ۲۰ سالگی می تواند دو قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را تجربه کند.

جوان ترین دروازه بان تاریخ لیگ قهرمانان، رکوردی که متعلق به کاسیاس بود تا سال ۲۰۱۷ که میله سویلار از بنفیکا جایگزین او شد. کاسیاس جوری بازی می کرد که انگار تمام زندگی اش را در برنابائو گذرانده بود. او بازی تماشایی اش را با استعداد ذاتی اش در موقعیت یابی و هوشمندی فوق العاده بالا ترکیب می کرد، واکنش هایش صاعقه وار، تمرکزش بسیار دقیق و چابکی اش مثل گربه بود.

سپیدپوشان مرحله گروهی لیگ قهرمانان ۲۰۰۰ را با رتبه دوم به پایان رساندند، به این معنی که باید به مصاف منچستر یونایتد می رفتند که ۳ بار قهرمان اروپا شده بود. پس از اینکه کاسیاس در دور رفت دروازه را بسته نگه داشت تیم برای دور برگشت به اولدترافورد رفت. آنجا روی کین گل به خودی زد و رائول هم رئال را پیش انداخت.

کاسیاس به سرعت برنابائو را به قلعه ای تبدیل کرد که به راحتی هر یورش به خاک پادشاهی اش را خنثی می کرد. کلین شیت خانگی دیگری مقابل بایرن مونیخ در مرحله نیمه نهایی باعث شد تا فینال تمام اسپانیایی را مقابل والنسیا ترتیب دهد. رقیب اعتماد به نفس زیادی داشت

برنابائو بیارود. پرس، فرناندو رونالدو را بیرون کرده بود و سعی داشت فرناندو مورینتس را بفروشد و به قول هیرو با بازیکنان مانند سهام رفتار می کرد. هیرو که از تجارتهای رئیس باشگاه خسته شده بود در انتهای فصل و در پی گرفتن قهرمانی لالیگا، از زدن دور دوم افتخار با بازیکنان امتناع کرد. به دنبال این اتفاقات فرناندو هیرو بعد از ۱۴ سال در تابستان ۲۰۰۳ رئال را ترک کرد؛ در این مدت ۵ بار قهرمانی لالیگا و ۳ بار قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را تجربه کرده بود. در مجموع ۴۹۷ مرتبه در لالیگا حضور داشت و ۱۰۵ گل به ثمر رساند



ایگر کاسیاس

در قلب مادرید میدان نمایان سیبلس قرار دارد. مجسمه الهه یونان باستان، سیبلس در مرکز قرار دارد و فواره های زیبایی زینت بخش محوطه مجلل این میدان هستند. سال ها پیش رئال مادرید از این میدان برای نمایش باشکوه پیروزی های خود استفاده کرده بود.

به لطف یک حادثه عجیب و غریب درست در شب قبل از مسابقه، دروازه بان والنسیا سانتیاگو کانیزارس در اثر یک سهل انگاری زمین خورد و پای راستش با خرده شیشه حسابی زخمی شد. کاسیاس اما گفت: «کانیزارس واقعاً بدشانسی آورد و من اصلاً از این بابت خوشحال نیستم اما فوتبال همین است. حالا ریکاردو، کونتراس و من هر سه مجبوریم برای به دست آوردن جایگاه اول تلاش کنیم و هر کدام از ما می تواند انتخاب شود.» در واقع کاسیاس بیش از حد فروتن بود. ریکاردو و کونتراس دروازه بانان خوبی بودند و فصل ساده و معمولی را با والادولید و ماگالا گذرانده بودند اما اصلاً با دروازه بان مادرید قابل قیاس نبودند. او اکنون دیگر به عنوان دروازه بان شماره یک سپیدپوشان انتخاب شده و آماده است تا در صحنه بین المللی هم خودی نشان بدهد.

کاسیاس محصول «لافابریگا» بود و مسیر سنتی را به سوی تیم بزرگسالان رئال در پیش گرفت. به عنوان یک مادریدی اصل پیشرفت هایش در سطح جهانی دیده می شد. هر هواداری دوست دارد که کسی از اهالی اصل باشگاه در تیم بازی کند. مثل آن نسل معروف طلائی که خاطرات بسیار شیرین و دلچسبی از قهرمانی اروپا در سال ۱۹۶۶ در ذهن مادریدی ها حک کرده بود- ترکیب کاملاً اسپانیایی با بازیکنان زیادی که در «ای دی پلاس اولترا» متولد شدند - تیم بومی مادرید که از سال ۱۹۷۲ به عنوان آکادمی رئال عمل می کرد.

کرد.

طی سه فصل بین سال های ۹۲-۱۹۹۱ و ۹۴-۱۹۹۳ هیرو بطور فردی اوقات خیلی خوشی را سپری می کرد. در مجموع، ۵۵ گل در تمام رقابت ها به ثمر رساند؛ ۴ گل در ۱۷ دقیقه در بازی مقابل اسپانیول در آوریل ۱۹۹۲ و ۲۶ گل در ۹۲-۱۹۹۱ در حالی که اول رادومیر آنتیچ و بعد از آن لئو بینهاکر به عنوان مربی او را به نوک حمله می فرستادند. در واقع از اوایل تا اواسط دهه ۹۰ او بازیکن همه چیز تمامی بود. شکست ناپذیر در جایگاه دفاع، قدرتمند در جایگاه میانی، نافذ مقابل دروازه حریف. همانطور که سانتیاگو سگورولا از نشریه «ال پائیس» می گوید: «او مدافعی است با روحیه مهاجم.» اما بالاتر از همه تعریف، او با پیروزی تعریف می شود. به گفته خودش: «تیم من باید برنده شود و من برای رسیدن به این هدف هر کاری می کنم. این همان چیزی است که من هستم، چه خوب چه بد. احتمالاً به همین خاطر است که تا اینجا پیش آمدم. من دوست دارم برنده شوم و قصد ندارم آن را پنهان کنم.»

تا به حال ۱۳ جام از قهرمانی های اروپا و لیگ قهرمانان زینت بخش تالار افتخارات برنابائو است اما هنوز یک جام باقی مانده بود که برای سال ها رئال مادرید را درگیر می کرد. دقیق تر بگوییم برای مدت ۳۲ سال. بعد از اینکه این تورنمنت در سال ۱۹۵۶ آغاز شد رئال به مدت پنج سال پیاپی عنوان قهرمانی را به دست آورد. سپس دهه ۱۹۶۰ شروع شد و تیم تحت مربیگری فرنتس پوشکاش قهرمان لیگ شد و نتوانست دستش را روی جام گوش بزرگ بگذارد. سرانجام تیمی که با امثال پاکو خنتو، پیری و مانوئل ولاسکس و همچنین پدر مانولو سانچس یعنی مانوئل سانچس مارتینس به خود می بالید تیم پارتیزان از یوگسلاوی را شکست داد و پس از آن تا ۱۹۹۸ این عنوان دور از دسترس رئال مادرید باقی ماند.

رئال بالا و پایین های بسیاری داشت. آنها به رقابت های لیگ قهرمانان ۹۸-۱۹۹۷ راه پیدا کردند اما سال قبلش به لیگ قهرمانان اروپا نرسیده بودند. آن زمان یوونتوس بهترین تیم اروپا بود. این سومین حضورشان در فینال لیگ قهرمانان بود، یک بار پیروز شدند و یک بار هم شکست خوردند. و البته آنها زین الدین زیدان را داشتند. رئال در عوض از سال ۱۹۸۱ به فینال راه پیدا نکرده بود. بانوی پیر بهترین ها را در اختیار داشت. در نیمه دوم مورنو تورچلی، مارک یولیانو و پیپو اینزاگی موقعیت های بسیاری داشتند تا تیم را جلو ببردند اما یوهو نمی توانست گل بزند. هیرو با عملکردی قوی باعث شد الساندرو دل پیرو از جریان بازی خارج شود. هواداران رئال فریاد می زدند که: «دل پیرو کجاست؟ هیرو او را خورده!»

هیرو این پیروزی را به عنوان «بیداری» توصیف کرد و به این ترتیب عصر جدیدی در اروپا برای رئال مادرید شروع شد. کاپیتان رئال شد و آنقدر در تیم با نفوذ و قدرتمند بود که به قول هم تیمی اش استیو مک منمن بدون دستور او کسی کاری نمی کرد. با این وجود یک نفر دیگر بالاتر از او قرار داشت که کم کم قدرتش را تحمیل می کرد.

فلورنتینو پرس در سال ۲۰۰۰ رئیس باشگاه رئال مادرید شد و وعده اش این بود که لوئیس فیگو را از بارسلونا به

شد. در فصل اولش در باشگاه جدید تنها توانستند در مرحله پلی آف از سقوط به دسته پایین تر نجات پیدا کنند اما همان فصل مانولو یکی از بهترین مدافعان لیگ شد. به برادرش توصیه کرد که به آنجا برود و دنبال فرصت بازی بگردد. فرناندو ۱۹ ساله واقعاً به این فرصت نیاز داشت. تنها کمی بیشتر از یک ماه بعد از رئال والادولید B به تیم اول رفت. در تاریخ چهارم اکتبر ۱۹۸۷ اولین بازی اش در لالیگا را مقابل اسپانیول انجام داد و در ماه مارس و فقط چند روز بعد از تولد ۲۰ سالگی اش اولین گلش را هم به ثمر رساند. تأثیرش بر روی عملکرد تیم غیر قابل انکار بود.

فرناندو بسیار پر قدرت پیش می رفت. سه کارت قرمز که در فصل ۸۹-۱۹۸۸ گرفت باعث شد که نتواند در تمام بازی های تیمش والادولید بازی کند. تیم در آن فصل ششم شد و به رقابت های جام در جام اروپا راه یافت. این صلاحیت علیرغم باخت تیم از رئال مادرید در فینال کوپادل ری به دست آمد و عملکرد هیرو در طول فصل از چشمان پایتخت اسپانیا دور نماند.

خبر رسید که رئال مشتاق به دست آوردن او است. به این ترتیب هیرو تبدیل به ستاره درخشان سفیدهای مادرید شد. در والادولید بطور دائم بین خط دفاع و هافبک در رفت و آمد بود اما در رئال مربی تیم جان توشاک او را در کنار بازیکن جدید تیم، اسکار روجری آرژانتینی در خط دفاع قرار داد، با برند شوستر و مانولو سانچس در جلو و عقب.

فصل اولش در رئال مادرید برای هواداران متعاقب کننده نبود. چندین تساوی بدون گل و یک شکست ۳ بر یک از بارسلونا که می توانست از این بدتر هم باشد. در لیگ قهرمانان اروپا از میلان شکست خوردند و بعد از آن با نتیجه ۲ بر یک از رئال سوسیه داد باختند. هر چند اواخر فصل، حداقل در لیگ بی همتا بودند. تیم با رکورد ۱۰۷ گل زده قهرمان لالیگا شد، رکوردی که ۲۰ سال پابرجا ماند. هفت تا از این گل ها توسط هیرو زده شد، همان سال اولین بازی ملی اش برای اسپانیا را انجام داد و در بازی دوستانه مقابل لهستان که با نتیجه یک بر صفر پیروز میدان شدند. گل های باارزشی که زد باعث شد خیلی چیزها برای فرناندو عوض شود. بعدها در این باره گفت: «من ذهنیت مدافع بودن را ندارم. هر چیزی را که به عنوان مدافع به دست آوردم نتیجه اشتباهات زیادی بود که در این جایگاه انجام می دادم، اشتباهات زیادی که خیلی چیزها را به من آموخت.»

در بازی های ملی محدودیت هایی از این دست وجود نداشت. او به گلزنی ادامه می داد. سه گل در سه بازی در اوایل ۱۹۹۲؛ پیروزی حیاتی مقابل دانمارک در نوامبر ۱۹۹۳ و صعود به رقابت های جام جهانی؛ ۶ گل در ۶ بازی طی سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹. بعد از جام جهانی ۲۰۰۲ در حالی از رقابت های ملی کناره گیری کرد که توانسته بود در ۸۹ بازی ۲۹ گل به ثمر برساند و از امیلیو بوتراگوئو به عنوان برترین گلزن کشور پیشی بگیرد.

از همان اولین روزهای حضور در رئال مهارت های زیادی از خود نشان داد اما در اوایل دهه ۹۰ تیم راهش را گم کرد. هوگو سانچس که در ۵ قهرمانی پشت سر هم برترین گلزن رئال بود ۳۲ ساله شد و از دوران اوج فاصله گرفت. رئال ۴ سال را بدون قهرمانی به جز در یک فینال کوپادل ری سپری

